

مصطفی ایستاد تا درست کند

به مناسبت ۲۱ دی - شهادت مصطفی احمدی روشن

گفت: «بیا سازمان پیش خودمون.»

گفتم: «مگه دیوونه ام؟ کجا بیام؟ پول می دن؟ درست برخورد می کنن؟ چی داره اینجا؟ تو بیا بریم بیرون کار راه بندازیم.»

گفت: «من وایسادم اینجا را درست کنم.»

هر بار می رفتم نطنزتوی راه برگشت بغض می کردم. غربتی داشت اون جا.

بعد از شهادت مصطفی دم ظهر رفتم نماز خانه سایت؛ پراز رفقای خودمان بود؛ رفقایی که خیلی هایشان را مصطفی با هزار زحمت راضی کرد و آورد پای کار. یاد روزهایی افتادم که مصطفی تنها بود، بغضم ترکید.